

شیوه پردازش و تاثیرپذیری بنبانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر از نثر الدر المحاضرات آوی

رعنا جوادی^۱

علیرضا قوجه زاده^۲

زهرا سلیمانی^۳

چکیده

حکایت و حکایت‌نویسی در طول قرن‌ها یکی از پرکاربردترین و محبوب‌ترین شیوه‌های تألیف و نگارش کتاب بوده است. نویسندگان زیادی در این وادی قدم نهاده و آثار ارزشمندی به زبان فارسی و عربی خلق نموده‌اند. مجمع‌النوادر تألیف فیض‌الدین زین‌العابدین حسام بنبانی (زنده ۹۰۷ هـ) یکی از این کتب باارزش است که به گفته خود نویسنده با نگاهی به کتب پیشینیان در غایت ایجاز و اختصار، بر نمطی جدید و طرزی نو به زبان فارسی تألیف شده است. از منابع پرکاربرد بنبانی، می‌توان به نثر الدر فی المحاضرات تألیف منصور بن حسین آوی (در حدود ۴۲۲-۳۴۵ ق) که به زبان عربی و شامل گفته‌ها، آداب، نکته‌های بلیغ و ظریف است، اشاره نمود. با توجه به تعداد فراوان حکایات مشترک و همچنین عناوین مشابه این دو اثر (نوادر متنبین، نوادر طفیلیان، نوادر مجانین، نوادر معلمان، نوادر زنان و...) به نظر می‌رسد بنبانی در شیوه تألیف و تقسیم‌بندی مجمع‌النوادر به این کتاب توجه داشته است و شیوه تازه‌ای که بنبانی ادعا می‌کند در مجمع‌النوادر به کار برده است، با توجه به نثر الدر فی المحاضرات خلق کرده است. شیوه‌ای که در آثار فارسی قبل از بنبانی دیده نمی‌شود. بنبانی در کنار ترجمه حکایات به زبان فارسی، در استفاده از حکایات و عناوین، خود را محدود و مقید به شیوه آوی در نثر الدر نکرده و گاه در ساختار حکایات این کتاب دست برده است یا حکایات را ذیل عنوان دیگری در مجمع‌النوادر به کار برده است.

کلیدواژه‌ها: مجمع‌النوادر، بنبانی، نثر الدر، المحاضرات، ابوسعید آوی، حکایت.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین، پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی،

Ircofkaraj.javadi@gmail.com

ورامین، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین، پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران،

Alirezaghojezade@yahoo.com

ایران (نویسنده مسئول).

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین، پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، تهران،

soleymani9500@gmail.com

ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۲۹

مقدمه

هم‌جواری فرهنگی بین ایرانیان و اعراب بخصوص بعد از ظهور اسلام موجب ایجاد پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیقی بین مردمان این دو سرزمین شد. حضور اعراب در طی ۳ قرن، عربی‌سرایبی و نهضت ترجمه متون فارسی به عربی و بالعکس موجب شد تا بسیاری از ادیبان و سخن‌پردازان این دو منطقه بزرگ مطالب خود را از یکدیگر وام بگیرند. زبان عربی اهمیتی تاریخی و مذهبی در ایران دارد از این رو بسیاری از ادیبان فارسی‌زبان، آثار خود را به زبان عربی می‌نگاشتند. از آن جمله می‌توان از ابو سعد آوی دانشمند، ادیب و دولتمرد قرن ۵ ق اشاره نمود که کتاب خود نثر الدرّ محاضرات را در هفت جلد به زبان عربی نگاشته است. نثر الدرّ شامل مطالب متنوعی است، که در قالب حکایات، روایات، نقل قول‌ها و... آمده است. او از طنز و هزل در بیان مطالب کتاب سود جسته است.

بنبانی در مقدمه مجمع‌النوادر اذعان می‌دارد که کتابش را بر اساس کتب پیشینیان نگاشته است: «آنچه فسح سخن و جان معنی یافت، از صید، یکی و از بسیار، اندکی اختیار کرد و این نوادر چند، از آن برگزید و بر صحیفه دهر، یادگار نوشت.» (بنبانی الف، برگ ۱). بنبانی به چندی از این منابع اشاره می‌کند، از جمله: مقامات بدیع الزمان همدانی (برگ ۱۸)، درة الغواص حریری (برگ ۱۵۶)، مقامات حمیدیه (برگ ۱۸)، سیرت حجاج تمیمی (برگ ۲۷)، طبقات ناصری (برگ ۹۲) و... در کنار آن با بررسی انجام گرفته آبخخور بسیاری از حکایاتی مجمع‌النوادر در منابعی به زبان عربی و فارسی، چون نثر الدرّ فی المحاضرات أبو سعد آوی، التذکره الحمدونیة، ابن حمدون، أخبار الظراف و المتماجنین جوزی، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار الزمخشری، چهارمقاله، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، سیاست‌نامه، قره‌العین، تذکره الاولیا، رساله دلگشا و بهارستان یافت شد.

با توجه به شیوه تقسیم‌بندی و عنوان ابواب، شیوه نگارش و استفاده از طنز و هزل و از همه مهم‌تر توجه به ایجاز و اختصار حکایات در مجمع‌النوادر، می‌توان گفت نثر الدرّ یکی از منابع اصلی مورد استفاده بنبانی در نگارش این کتاب است. این فرضیه با توجه به حکایت‌های مشابهی که از کتاب نثر الدرّ در کتاب مجمع‌النوادر آمده است، قوت می‌گیرد. تا جایی که گاهی گمان می‌رود، بنبانی ترجمه‌ای عین به عین از این کتاب را در کتاب خود ارائه داده است. با تمام این شباهت‌ها بنبانی خود را مقید به تقلید از نثر الدرّ ننموده و در خلق اثر خود، به دنبال شیوه‌ای نو و منحصر به خود است. که تا حدودی با توجه به پیشینه کتب از این دست در این امر موفق بوده است. قابل ذکر است این نوع

شیوه پردازش و تاثیرپذیری بنبانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر... \\۱۵۷

تقسیم‌بندی و دسته‌بندی فصول در آثار بعد از بنبانی و اثر معروف علی صفی، لطایف الطوائف نیز دیده می‌شود که با تقدم ۳۶ ساله نگارش کتاب مجمع‌النوادر می‌توان شیوه بنبانی را طبق ادعای خود شیوه‌ای نو در نگارش چنین کتاب‌هایی دانست.

در ادوار مختلف از حکایت برای بیان مسائل تربیتی و اخلاقی استفاده شده است. تنوع موضوعی حکایات موجب شده است با کمک حکایات تمام جوانب و زوایای زندگی همچنین به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نوع اندیشه آمال آن روزگار برای مخاطب امروزی آشکار می‌شود. تحلیل و بررسی جوانب مختلف حکایات می‌تواند از جهات مختلف برای پژوهشگران حائز اهمیت باشد. در این پژوهش به بررسی شیوه بنبانی در نگارش کتاب مجمع‌النوادر با استفاده از کتاب نثرالدر پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

تاکنون تنها یک مقاله درباره مجمع‌النوادر، تحت عنوان «طبقات محمود شاهی و مجمع‌النوادر فیض‌الله بنبانی» از عبدالحی حبیبی (یغما، ۱۳۳۲، س ۶، ش ۱) نوشته شده است، که ابهامات زیادی از جمله نام بنبانی در آن وجود دارد. درباره نثرالدر نیز مقاله‌ای با عنوان «ابو سعد آوی و نثر الدر» در سال ۱۳۷۲ توسط مرتضی ذکایی ساوی (آینه پژوهش، ۱۳۷۲؛ ش ۲۰، ص ۳۱-۳۸) به رشته تحریر درآمده است.

۱- فیض‌الله بنبانی

فیض‌الله بن زین‌العابدین بن حسام بنبانی ملقب به ملک‌القضات صدر جهان (بنبانی الف، برگ ۱؛ بنبانی ب، برگ ۳۳۶-۳۳۷) از دولتمردان و مورخان و عالمان سده ۹ ق. در عهد محمود شاه بن احمدشاه بن مظفر شاه بیگاره (حک: ۸۶۳-۹۱۷ ق) از سلاطین گجرات هند است. جد وی قاضی حسام بن صدر، در شمار اعیان و فضیله‌دوره پادشاهی سلاطین گجرات بوده و خطاب «ملک‌القضات و صدر جهان» داشته است. (بنبانی الف، برگ ۷۵). فیض‌الله بنبانی، در میان خاندان فاضل و اندیشمند خود بالید و از همان دوران کودکی به مطالعه آثاری از جمله کافیه در علم نحو پرداخت. (همان، برگ ۱۱۹). او بعد از پدر، به دربار پادشاهان گجرات هند راه یافت و زیر نظر آن‌ها مورد تربیت قرار گرفت و در سلک سیاستمداران و دانشمندان و مقربان و معتمدان درآمد. (همان، برگ ۱۶۰) سپس از طرف محمود شاه به سمت‌هایی از جمله قاضی‌القضاتی و سفیر سیاسی وی در محمدآباد دکن (به سال ۹۰۷ هـ) انتصاب یافت (همان، برگ ۷۸؛ Blochet, v.1, p.22).

او در دوران حیات خود، علاوه بر دولتمردان، با فضلا، شعرا و عرفای زمان خود، از جمله با خواجه شیخ فرید و فرزند او خوند ملک فرید، در سفر و حضر، نشست و برخاست و ارتباط نزدیکی داشته است. (بنبانی الف، برگ ۲۲) و چنانکه وی از مولانا منصور بن کبیر المعروف بمیان الهدیای شاعر، نام می‌برد که با او مراوده داشته و از مداحان محمود شاه بوده است. (همان، برگ ۷۸)

از تاریخ وفات بنبانی، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما همین قدر معلوم است که وی تا زمان اتمام تألیف کتاب طبقات محمود شاهی، یعنی سال ۹۰۷.ق، در قید حیات بوده است. از آثار او می‌توان به تاریخ صدر جهان یا تاریخ محمود شاهی یا طبقات محمود شاهی (نگارش: ۹۰۷ق)، خلاصه الحکایات، دستور الحفظ، چند رساله دیگر فارسی و عربی (منظوم و منثور) اشاره کرد. (مجمع النوادر، برگ ۱)

۲-۱- مجمع النوادر

بنبانی این مجموعه را در حدود سال ۹۰۳ق. پس از تألیف "تفسیر معظم دستور الحفظ و کتاب خلاصه الحکایات (همان، برگ ۱) که سفارت محمود شاه بیگانه از سلاطین گجرات در شهر مکرّم محمدآباد بنارس معروف به قلعه چانپانیر را بر عهده داشته، به مناسبت چهلمین سال جلوس سلطان در یک مقدمه و چهل نادره و خاتمه نوشته است.

«و چون سال مذکور [شهور سنه ثلث و تسعمایه]، چهلم سال از جلوس حضرت او بود، این کتاب را بر چهل نادره مرتّب گردانیدم و به عدد هرسالی، نادره‌ای نوشتم تا جمله این کتاب بر چهل نادره و به خاتمه و مقدمه مرتّب گشت.» (همان، برگ ۳).

این مجموعه، حاوی داستان‌ها و رویدادهایی درباره رسالت نبی اکرم (ص)، فضایل حضرت علی (ع)، پادشاهان، امیران، صلحا، زهاد و شماری از سرایندگان و نویسندگان از ابتدای ظهور اسلام تا روزگار مؤلف، و مشتمل بر حکایات و روایاتی از طبقات مختلف (زنان، مردان، جوانان، بُخلا، سفها...) است و از این منظر می‌توان اطلاعات ارزشمندی درباره آداب و رسوم و روابط اجتماعی، باورها و اندیشه‌های این طبقات، اقوام و افراد به دست آورد. او دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربیات خود را نیز بر مجموعه افزوده است.

وی در انتخاب حکایت‌ها، طریق ایجاز و اختصار پیموده و آن‌ها را به گونه‌ای برگزیده و نقل کرده که عموم مردم دریابند.

شیوه پردازش و تأثیرپذیری بنبانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر... ||| ۱۵۹

«خواستم کتابی پارسی در غایت ایجاز و اختصار، بر نمطی جدید و طرزى نو، چنان که تا الی یومنا هذا، کسی بر آن طریق نرفته باشد و آن راه نسپرده بود؛ و طبع هر قومى بر آن رغبت نماید و خاطر هر گروهی، بر آن میل کند، بنویسم» (همان، برگ ۱)

هرچند بنبانی در نگارش کتاب خود به آرایش کلام توجه نموده، اما نثر مجمع النوادر ساده و روان است. آوردن اشعار فارسی در مضمون اشعار عربی، استفاده از آیات برای ایجاز در کلام و ترجمه عبارات و اشعار عربی به فارسی روان از ویژگی‌های این کتاب است.

دست‌نوشته‌هایی از مجمع النوادر در کتابخانه‌های داخل و خارج از ایران موجود است. (حائری، ج ۲۱، صص ۱۷۷-۱۷۹؛ حسینی، صص ۶۰۰-۵۹۲؛ منزوی، ج ۶، ص ۹۶۷؛ نوشاهی الف، ص ۶۸۶).

۲-۱- ابواب و فصول مجمع النوادر عبارت است از:

مقدمه: در بیان فضایل حضرت رسالت (ص) و خلفای راشدین ۱- نوادر رسایل عربیه ۲- نوادر سلاطین ۳- نوادر وزرا ۴- نوادر علما ۵- نوادر دبیران ۶- نوادر فضلا ۷- نوادر متفرقه ۸- نوادر نکات ۹- نوادر حکما ۱۰- نوادر نجات ۱۱- نوادر شعرا ۱۲- نوادر اقتباس ۱۳- نوادر کلام انبیا و صحابه و حکما به عربی ۱۴- نوادر کلام حکماء به فارسی ۱۵- نوادر اتفاقات ۱۶- نوادر انقلاب زمانه ۱۷- نوادر حیل ۱۸- نوادر الفرغ بعد الشده ۱۹- نوادر اعراب و دهاقین ۲۰- نوادر تعبیرخواب ۲۱- نوادر اسخیا ۲۲- نوادر بخلا ۲۳- نوادر صبیان ۲۴- نوادر زنان ۲۵- نوادر طفیلیان ۳۰- نوادر سائلان ۳۱- نوادر ابوالعینا ۳۲- نوادر ابن جصاص ۳۳- نوادر اشعب طماع ۳۴- نوادر مزبد ۳۵- نوادر کذب ۳۶- نوادر معلمان ۳۷- نوادر احمقان ۳۸- نوادر مجانین ۳۹- نوادر مزاح ۴۰- نوادر حکایات صوفیه. خاتمه در سبب تألیف این کتاب و دعای پادشاه اسلام.

۲-۲- ابوسعید منصور بن حسن بن حسین آوی

ابو سعید منصور بن حسن بن حسین آوی (آبی) فقیه، محدث، شاعر، تاریخ‌نگار و دولتمرد شیعی در اوایل قرن پنجم هجری است. ابو سعید در آوه ساوه زاده شده، تاریخ ولات او رابین سال‌های ۳۴۵-۳۵۰ ق دانسته‌اند. (حسینی، ۱۳۵۸: ۷۶۵/۲). ابو سعید مقدمات علوم را در آوه فراگرفته و در جوانی به ری و عراق سفر کرد. او وزیر ابوطالب مجد الدوله رستم بن فخرالدوله دیلمی (۳۸۷-۴۲۰ ق) سلطان ری بوده است و از سوی او «وزیر کبیر، ذی المعالی و زین الکفاه» لقب یافته است.

۱۶۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

از آثار او می توان به؛ تاریخ ری، الانس والعُرس، دیوان منصور آوی، النظم الحسن، نزهة الادیب، حدیث الغدیر، التفت و الطرف و کتاب نثر الدرّ محاضرات اشاره نمود. از آثار باقی مانده از او مشهود است، وی اطلاعات وسیع در علوم مختلف از جمله؛ تاریخ، جغرافیا، سیاست، حکمت و... داشته است. تاریخ وفات او نیز مشخص نیست، محققانی چون خیرالدین زرکلی (۱۹۸۰: ۸/۲۳۷)، عمر رضا کخّاله (۱۳۷۶: ۱۳/۱۲)، تاریخ مرگ او را ۴۲۱ ق نگاهشته اند. (ذکایی، ۱۳۷۲: ش ۲۰، ص ۳۱-۳۸)

۱-۲- نثر الدرّ المحاضرات

نثر الدرّ فی المحاضرات، کتابی است ادبی در ۷ جلد که آوی آن را به زبان عربی نگاشته و شامل موضوعات متنوع درباره آداب، نکته ها و ظرایف است. نام کتاب، به صورت های؛ نثر الدرّ، نثر الدرر، نثر الدرر فی المحاضرات (و نفایس الجوهر) نیز ذکر شده است.

شیوه تألیف و تدوینی که آوی برای کتاب خود برگزیده است، شیوه ایست نو و تازگی دارد. چنانچه خود در مقدمه کتاب می گوید، خواسته تا روش خود را در نگارش این اثر باز نماید؛ و کتاب مجموعه ای از گفته ها و نکته های بلیغ و ظریف و مستقل و خالی از خطبه ها و قصاید طولانی باشد. (آوی، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۲۵-۲۶)

او مانند جاحظ و ابن قتیبه، در نوشته های ادبی، مطالب جدی را با هزل و شوخی درهم آمیخته است و حتی باب های چندی را در هر بخش، به هزل و مطایبه اختصاص داده است، اما هزل وی هیچ گاه به ابتذال کشیده نمی شود. به دلیل آوردن آیات قرآن کریم، احادیث رسول الله (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در فصل اول کتاب و به دلیل رعایت حرمت و احترام آن ها از پرداختن به هزل و مطایبه چشم پوشیده است.

۲-۲- ابواب و فصول نثر الدرّ عبارت است از:

جلد اول: در جلد یکم «نثر الدر»، آوی فهرست موضوعی برای آیات قرآن کریم سامان داده است که می توان گفت اولین معجم آیات قرآن محسوب می شود. آوی، هدف نگارش خود را از این فهرست، در مقدمه کتاب، چنین بیان داشته: «تا نویسندگان و خطیبان بتوانند نوشته ها و گفته های خود را با آیات قرآنی بیاریند و کلام خود را رونق و اعتبار دهند».

شیوه‌پردازش و تأثیرپذیری بنیانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر... ۱۶۱۱۱

ابوسعبد آوی، هنگام نقل گفته‌ها، اخبار و احادیث، برجستگی شخصیت صاحبان اقوال، گفتار و اخبار را پایه نقل آن‌ها قرار داده، نه موضوع آن‌ها را و در نقل اخبار و به‌خصوص احادیث نبوی، ذوق ادبی خود را در انتخاب احادیث ملاک قرار داده است و به جنبه صحت اسناد احادیث توجهی نداشته است. ترتیب بیان مطالب در سراسر کتاب تقریباً یکدست بوده و به این گونه است که ابو سعبد پس از ذکر آیات قرآن، ابتدا احادیث نبوی سپس مواعظ و خطب حضرت علی (ع) و پس از آن کلام ائمه-علیهم‌السلام- را نقل کرده، آنگاه به نقل گفتار بنی عباس (به‌غیر از خلفا) پرداخته است.

جلد دوم: (فصل دوم) «نثر الدر»، مشتمل بر گفتار خلفای راشدین (غیر از حضرت علی علیه‌السلام)، برخی از صحابه و عمر بن عبدالعزیز است، سپس ابوابی را در هزل و شوخی آورده است.

برخی از عناوین باب‌های این جلد عبارت‌اند از: «القلب اذا اکره عمی و الخاطر اذا مل کل»، «مزح الاشراف و الافاضل و العلماء»، «الجوابات المسکنة الحاضرة»، «من نوادر المتنبین»، «نوادر المدینین»، «نوادر الطفیلین و الاکلة»

جلد سوم: (فصل سوم)، مشتمل بر ذکر گفته‌های خلفای اموی، سپس گفتار خلفای عباسی تا سال ۳۲۵ ق، است. بخش دوم از جلد سوم، در هزل و مطایبه است. ابو سعبد آوی، گفته‌های شخصیت‌های مشهور در هزل و مطایبه گویی را جمع آوری کرده است، از جمله گفتار ابی العیناء (۱۹۱-۲۸۷ ق)، ابی الحارث جمین، مزبد مدینی و ابو عبدالله محمد بن عمرو الجماز بصری (م ۲۵۰ ق) را نقل کرده است، سپس باب‌های دهم تا سیزدهم را به ترتیب به «نوادر المجانین»، «نوادر البخلاء»، «کلام الشطار و من یجری مجراهم و نوادرهم» و «العی و مکاتبات الحمقی» پرداخته است.

جلد چهارم: (فصل چهارم)، بیشتر، به گفتار زنان در هر دو موضوع جد و هزل اختصاص دارد.

جلد پنجم: (فصل پنجم)، مشتمل بر بیست و دو باب است و مطالب متنوعی را شامل است. خطبه‌هایی از برخی خطیبان عصر اموی و عباسی است. عناوین باب‌های دوازدهم تا بیست و دوم چنین است: «الغلط و التصحیف»، «نوادر المخنثین»، «نوادر اللاطة»، «نوادر البغائین»، «نوادر حجا»، «نوادر اشعب»، «نوادر السؤال»، «نوادر المعلمین»، «نوادر الصبیان»، «نوادر للعبید و الممالیک».

جلد ششم: (فصل ششم)، مشتمل بر ۱۶ باب است. در این کتاب عناوینی از جمله: «نکت من فصیح کلام العرب و خطبهم»، «فقر و حکم للاعراب»، «ادعیة مختارة و کلام للسؤال من الاعراب و غیرهم»، «امثال العرب» آمده است. در این جلد امثالی که با کلماتی بر وزن «افعل» آغاز می‌شود و کاربرد آن‌ها در

۱۶۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

محاورات مردم بیشتر است، آورده است. از دیگر عناوین آمده در این جلد «اسجاع الكهنة»، «اوابد العرب»، «وصايا العرب»، «نوادير الاعراب»، «امثال العامة»، «نوادير اصحاب الشراب و السكرى»، «فى الكذب»، «نوادير المجان»، «نوادير فى الفسء و الضراط» و... اشاره کرد.

جلد هفتم: (فصل هفتم)، مشتمل بر ۲۶ باب است که از آن جمله است: «نکت من کلام الانبياء عليه السلام و لقمان الحكيم»، «نکت للفلاسفة»، «نکت للفرس»، «الكبر المستحسن و المستقبح»، «فى الشجاعة و العجب»، «فى التعريضات».

۳- شیوه بنیانی در استفاده از کتاب نثر الدر

تقسیم‌بندی فصول کتاب مجمع‌النوادر به اباب مختلف و تخصیص هر یک از آن به حکایات و روایاتی از طبقات مختلف (زنان، مردان، جوانان، بخلای، سفها...)، ایجاز و اختصار حکایات، آمیختن مطالب جدی با هزل نشان‌دهنده این است که نثر الدر نه تنها یکی از منابع اصلی بنیانی برای انتخاب حکایت بوده، بلکه الگوی بنیانی در نگارش کتاب نیز بوده است. هرچند این الگوپذیری باعث نشده است که بنیانی شیوه خود را در مجمع‌النوادر به کار نگیرد و بخواهد تقلیدی صرف از نثر الدر انجام دهد. همچنین ترجمه روان حکایت به فارسی، نشان از تسلط بنیانی به زبان عربی است.

۱-۳- عناوین نوادر

الف- نقل حکایات ذیل عناوین یکسان

این نوع حکایات در مجمع‌النوادر بسیار یافت می‌شود. این گونه که بنیانی در چندی از عناوین کتاب خود که در کتاب نثر الدر نیز آمده است مانند؛ نوادر طفیلیان، نوادر سائلان، نوادر ابو العیناء شاعر، ابو جصاص، نوادر اشعب طماع، نوادر معلمان، نوادر احمقان، ... همان حکایاتی را آورده است که در کتاب نثر الدر نیز آمده است.

نوادر ابو العیناء: «روزی ابو العیناء، بر در دشمنی که مریض بود، بگذشتی. از غلامش پرسید که: حال فلان کس چیست؟ غلام گفت: چنان که تو خواهی. ابو العیناء گفت: پس چگونه است که هنوز آواز گریه برو نمی‌شنوم؟» (بنیانی، الف: برگ ۱۳۴)

نوادر ابی العیناء ومخاطباته: «وَمَرَّ عَلَى دَارِ عَدُوِّ لَهُ؛ فَقَالَ: مَا خَيْرُ أَبِي مُحَمَّدٍ؟ فَقَالُوا: كَمَا تَحِبُّ. قَالَ: فَمَا بِالِي لَا أَسْمَعُ الرِّنَّةَ وَالصَّرَاخَ؟» (آوی، ۱۴۲۴: ۳/۱۳۲)

شیوه پردازش و تاثیرپذیری بنبانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر... \\۱۶۳

بنبانی در این حکایت تنها به ترجمه حکایت نپرداخته و با افزودن شخصیت و موقعیت گفتگو با غلام، یا به عبارت بهتر ترسیم این گفتگو به حکایت خود جنبه داستانی بخشیده است و آن را از حالت یک جمله خبری، یا روایت ساده خارج نموده است.

نوادِر معلّمان: «دو کودک پیش معلّم به خصومت آمدند. یکی گفت: ای معلّم! به دندان گزیده است. دیگر گفت: دروغ می گوید او گوش خود را، خود گزیده است. معلّم گفت: ای پسر خبیثه! او اشتر نبود که گوش خود را خود به دندان بگذرد.» (بنبانی: برگ ۱۳۹)

الباب العشرُونَ نوادر المعلمین: «ورأيتُ معلماً وقد جاء غلامان قد تعلّق أحدهما بالآخر، وقال: يا معلّم، هذا عَصٌّ أذني. فقال الآخر: والله ما عصصتها، وإنما هو عَصٌّ أذن نفسه. فقال له المعلم: يا بن الخبيثة. صار جَمَلاً حتّى يعصّ أذن نفسه؟» (آوی، ۱۴۲۴: ۵/ ۲۲۲)

در کنار عنوان یکسان نادره، این حکایت مجمع النوادر ترجمه عین به عین حکایت آوی است.

ب- نقل حکایات ذیل عناوین متفاوت

این نوع حکایت نیز در مجمع النوادر فراوان دیده می شود. ظاهراً بنبانی با جابه جایی حکایات ذیل عناوین موردنظر خود به مضمون حکایات تأکید داشته است نه شخصیت ها یا موقعیت ها.

نوادِر بخلا: «مردی تین؛ یعنی انجیر می خورد. شخصی را از دور بدید، انجیر به زیر گلیم بنهاد. آن شخص بیامد و بنشست. مرد بخیل از او پرسید: چیزی از قرآن یاد داری؟ گفت: نعم. گفت: اقرأ. او خواند: بسم الله الرحمن الرحيم والتين والزيتون وطور سينين. گفت: والتين كجاست؟ گفت: زیر گلیم تو» (بنبانی، الف: برگ ۱۱۵).

الباب السابع نوادر مزيد: «مُزِيدٌ عَلَى بَعْضِ الْبُخْلَاءِ وَقَدْ أَهْدَى لَهُ تَيْنٌ فِي أَوَّلِ أَوَانِهِ، فَلَمَّا أَحْسَسَ بِدُخُولِهِ تَنَاوَلَ الطَّبَقَ، فَوَضَعَهُ تَحْتَ السَّرِيرِ، وَبَقِيَتْ يَدُهُ مَعْلُوقَةً، ثُمَّ قَالَ لِمَزِيدٍ: مَا جَاءَ بِكَ فِي هَذَا الْوَقْتِ؟ قَالَ: يَا سَيِّدِي؛ مَرَزَتْ السَّاعَةَ بِبَابِ فُلَانٍ، فَسَمِعْتُ جَارِيَتَهُ تَقْرَأُ لِحَنًا مَا سَمِعْتُ قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهُ، فَلَمَّا عَلِمْتُ مِنْ شِدَّةِ مَحَبَّتِكَ لِلْقُرْآنِ، وَسَمَاعِكَ لِلْأَلْحَانِ، حَفِظْتَهُ، وَجَنَّتْهُ لِأَقْرَأَ عَلَيْكَ. قَالَ: فَهَاتِهِ، فَقَالَ: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. «وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سَيْنِينَ» (آبی، ۱۴۲۴: ۳/ ۱۵۷).

با وجود عنوان «نوادِر مزيد» در مجمع النوادر، بنبانی این حکایت را در بخش بخلا استفاده نموده است و همین نکته می تواند تأکیدی باشد که بنبانی در کتاب خود به مضمون توجه ویژه ای داشته است.

۱۶۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

نوادِر احمقان: «پسر احمقی مریض گشت، چون وقت نزع رسید، گفت: این را غسل دهید. گفتند: هنوز نمرده است. گفت: تا شما از غسل فارغ شوید، او خواهد مرد» (بنبانی: برگ ۱۴۲).

نَوَادِرِ الْمُعَلِّمِينَ: «وكان لأبي داود المعلم ابن فمرض، فلما نزع قال: اغسلوه، قالوا: إنه لم يمِت، قال: إلی أن یفرغ من غسله قد مات» (آوی، ۱۴۲۴: ۵/۲۲۱).

این حکایت نیز با اینکه در مجمع النوادر عنوان «نوادِرِ مُعَلِّمَان» وجود دارد ذیل عنوانی متفاوت از نثرالدر و در «نوادِرِ احمقان» آمده است. شاید دلیل این موضوع در کنار توجه به مضمون حمق، توجه ایرانیان از دیرباز به معلمان و احترام به معلمان نیز دانست.

نوادِرِ رَسَائِلِ دَرِ عَرَبِيَّة: «چون منصور خلیفه شد، سلیمان بن اسد را والی موصل گردانید و هزار مرد خراسانی را با او فرستاد و گفت: هزار شیطان با تو فرستاده‌ام. چون سلیمان به موصل درآمد، خراسانیان دست ظلم دراز کردند. آن خبر به منصور رسید. به جانب سلیمان نوشت: «یا سلیمان کفره النعمه». ای سلیمان کفران نعمت کردی. سلیمان جواب نوشت: «وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانٌ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا» (بنبانی: برگ ۲۱).

الجوابات المسكتة الحاضرة: «لما ولي أبو جعفر المنصور سليمان بن راشد الموصل، ضم إليه ألف رجل من أهل خراسان وقال: قد ضمنت إليك ألف شيطان. فلما دخل الموصل عاشوا، وبلغ الخبر المنصور فكتب إليه: يا سليمان، كفرت بالنعمه. فكتب في جوابه: وما كفر سليمان ولكن الشياطين كفروا» (آوی، ۱۴۲۴: ۲/۱۲۶).

بنبانی این حکایت را در نوادر رسائل عربی آورده و آوی در بخشی مربوط به حاضر جوابی. با توجه به دیگر رسائل این بخش، به نظر می‌رسد بنبانی به ایجاز در مکتوبات، توجه داشته است و آوی حاضر جوابی را ملاک انتخاب حکایت قرار داده است.

۲-۳- حکایات

الف- نقل عین به عین

آنچه از کتاب مجمع النوادر معلوم است، بنبانی به زبان عربی تسلط داشته است. ترجمه حکایات از منبع عربی، ترجمه آیات، احادیث، اشعار و همچنین آوردن اشعار فارسی هم مضمون با اشعار عربی، به نوعی معادل‌سازی اشعار عربی می‌تواند دلیلی بر این ادعا باشد.

شیوه پردازش و تاثیرپذیری بنبانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر... || ۱۶۵

بنبانی به ایجاز و اختصار توجه ویژه‌ای دارد و حکایاتی را، به‌جز اندک مواردی، برگزیده که موجز هستند. نثر الدر مملو از حکایات موجز است و بنبانی متناسب با موضوعاتی که انتخاب نموده است از این کتاب بهره برده است.

نوادِر طفیلیان: «طفلی بود که پیش از فجر، طعام خوردی. او را گفتند: آهسته باش تا آفتاب برآید.

گفت: کسی که از ورای خراسان بیاید، منتظر او هرگز نباشم.» (بنبانی، الف: برگ ۱۳۱)

نَوَادِرِ الطِّفْلِیِّینِ وَالْأَكْلَةِ: «وَكَانَ بَعْضُهُمْ یَبْكَرُ الْأَكْلَ، فَقِيلَ لَهُ: اصْبِرْ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، فَقَالَ: أَنَا لَا أَنْتَظِرُ بَغْدَانِي مِنْ يَقْدَمُ مِنْ أَقْصَى خُرَاسَانَ» (آوی، ۱۴۲۴: ۲/ ۱۷۵)

نوادِرِ علما: «ابو محمد بن سلیمان مهران بن اعمش، از فقهای کوفه بود. روزی ابوحنیفه برای ملاقات

او رفت. پس گفت: ای ابو محمد! اگر نه آنستی که بر تو گران خواهم بود دیرتر بنشستی. اعمش

گفت: والله چون تو در خانه خودی بر من گرانی، فکیف که اینجا بیایی و بنشینی.» (بنبانی، الف: برگ

۳۲)

مزح الأشراف والأفاضل والعلماء: «دخل أبو حنیفة - رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ - عَلَى الْأَعْمَشِ يَعُودُهُ فَقَالَ: يَا أَبَا

مُحَمَّدَ، لَوْلَا أَنَّهُ يَنْقُلُ عَلَيْكَ لَعَدْتِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ. قَالَ: أَنْتَ تَنْقُلُ عَلَيَّ وَأَنْتَ فِي بَيْتِكَ، فَكَيْفَ فِي بَيْتِي؟» (آوی،

۱۴۲۴: ۱۰۸/۲).

نوادِرِ سائلان: «سائلی بر در خانه‌ای بایستاد، کنیزک گفت: بر ما چیزی نیست که تو را بدهیم و

صاحبۀ من در ماتم است. سائل گفت: کدام ماتم بزرگتر از ماتم شما خواهد بود، چون نزدیک شما

چیزی نباشد.» (بنبانی، الف: برگ ۱۳۴)

نَوَادِرِ السُّؤَالِ: «وَقَفَ سَائِلٌ عَلَى بَابِ دَارٍ فَقَالَ: تَصَدَّقُوا عَلَيَّ. فَقَالَتْ جَارِيَةٌ مِنَ الدَّارِ: مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ

نَعْطِيكَ، وَسَيْتِي فِي الْمَاتَمِ. فَقَالَ السَّائِلُ: أَيُّ مَاتَمٍ أَعْظَمُ مِنْ مَاتَمِكُمْ إِذَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ؟»

ب- نقل با اندکی تصرف در حکایات

بسیاری از حکایات مجمع النوادر به‌جز نثر الدر فی المحاضرات ابو سعد آوی در کتبی چون التذکره

الحمدونیه ابن حمدون، أخبار الطراف و المتماجنین جوزی، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار الزمخشری

و... نیز آمده است. بنبانی در شیوه استفاده از حکایات خود را مقید به منبع حکایت نکرده و گاهی با

۱۶۶ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

تصرف در حکایات نه در حدی که مضمون و ایده اصلی حکایت تغییر کند بلکه با کمک فضا سازی و اضافه کردن شخصیت حکایت را دل‌نشین‌تر کرده است.

نوادِر نکات: «چون اسکندر، دارا را کشت، اندرون حرم او نرفت. از آن معنی پرسیدند. جواب داد: ما مردان ایشان را بشکستیم، مباد آن، زنان ایشان ما را بشکنند.» (بنبانی، الف: ۱۴۴)

نَوَادِر وَنِکْت لِلْفَلَّاسِفَةِ: «وصف للإسکندر حسن بنات دارا وجمالهن، فقَالَ: من الْقَبِيحِ أَنْ نَغْلِبَ رِجَالَ قَوْمٍ، وَيَغْلِبُنَا نِسَاؤُهُمْ» (آوی، ۱۴۲۴: ۲۳/۷)

بنبانی با کمک صحنه پردازی و طراحی گفتگویی ساده، چهره غالب و پیروز اسکندر را به نمایش می‌گذارد، همین پرسش و پاسخ کوتاه حکایت را پیش می‌برد و باعث می‌شود مخاطب بر روی پاسخ خردمندانه اسکندر متمرکز شود.

نوادِر علما: «حمالی در راهی می‌گذشت و بر پشت او سبوی سرکه بود. چون شعبی را دید، سبوی بر زمین نهاد و گفت: ای امام! نام زن ابلیس، چه بود؟ شعبی گفت: در وقت نکاح او من حاضر نبودم.» (بنبانی: برگ ۳۲)

مِزْحُ الْأَشْرَافِ وَالْأَفْضَالِ وَالْعُلَمَاءِ: «قَالَ بَعْضُهُمْ: كُنَّا عِنْدَ الشَّعْبِيِّ جُلُوسًا، فَمَرَّ حِمَالٌ عَلَى ظَهْرِهِ دَنُّ خَلٍّ، فَلَمَّا رَأَى الشَّعْبِيَّ وَضَعَ الدَّنَّ، وَقَالَ لِلشَّعْبِيِّ: مَا كَانَ اسْمُ امْرَأَةِ إِبْلِيسَ؟ قَالَ: ذَلِكَ نِكَاحُ مَا شَهِدْنَا. وَسَاءَ» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۰۵/۲).

در حکایت بنبانی شاهد کنش حمال در موقعیت گفتگو هستیم. زمین گذاشتن سبوی و ایستادن برای گفتگو با شعبی نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای حمال است.

ذِکْرُ فَضَائِلِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ابوبکر - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ، وَلَا أَقَلَّتِ الْغَبْرَاءُ عَلَى رَجُلٍ بَعْدَ النَّبِيِّ خَيْرًا مِنْ ابِي بَكْرٍ». [يعنى]: آسمان سایه‌ای نکرد و زمین برنداشت مردی را بعد از پیغمبران که بهتر از ابوبکر باشد.»

این روایت در کتاب نثر الدر فی المحاضرات «فیه کلام رسول الله صلى الله عليه وسلم» به صورت: «ما أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَلَا أَقَلَّتِ الْغَبْرَاءُ عَلَى ذِي لَهْجَةِ أَصْدَقٍ مِنْ أَبِي ذَرٍّ» آمده است (آوی، ۱۴۲۴: ۱/۱۷۲).

۳-۳- نقل متوالی حکایات

بنبانی گاه چند حکایت و گاه همه حکایات ذیل یک عنوان را ترجمه و در مجمع‌النوادِر آورده است. همین موضوع نشان از اقتباس او از کتاب نثرالدر دارد.

شیوه پردازش و تأثیرپذیری بنبانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر... \\ ۱۶۷

این توالی را می توان در نوادر طفیلیان، نوادر سائلان، نوادر ابو العیناء شاعر، ابوجصاص، نوادر اشعب طماع، نوادر معلمان، نوادر احمقان و... دید.

نوادر طفیلیان:

«طفیلی را پرسیدند: خوردن تو چه نیکو...» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۷۳/۲)؛ «نقش خاتم بنان...» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۷۳/۲)؛ «طفیلی را پرسیدند: کدام طعام...» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۷۶/۲)؛ «طفیلی بود که چون استدعا» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۷۶/۲)؛ (بنبانی: الف: برگ، ۱۳۰-۱۳۳)

نوادر سائلان:

«سائلی بر در عامل اهواز پیامد...» (آوی، ۱۴۲۴: ۲۱۷/۵)؛ «سائلی بر در خانه ای بایستاد...» (آوی، ۱۴۲۴: ۲۱۷/۵)؛ «سائلی بر در خانه ای پیامد...» (آوی، ۱۴۲۴: ۲۱۸/۵)؛ «سائلی در قومی بایستاد...» (آوی، ۱۴۲۴: ۲۱۷/۵) و... (بنبانی، الف: برگ، ۱۳۴-۱۳۳)

نوادر ابو العیناء شاعر:

«روزی از حجاج بن هارون، پرسید...» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۳۲/۳)؛ «روزی صاعد وزیر، برای...» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۳۳/۳)؛ «روزی مردی به متوکل آوردند...» (آبی، ۱۴۲۴: ۱۳۹/۳)؛ «چون صاعد، از نصرانیته...» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۳۴/۳)؛ «وقتی مردی او را سلام...» (آوی، ۱۴۲۴: ۱۳۴/۳) و... (بنبانی، الف: برگ ۱۳۴-۱۳۵)

۴-۳- آیات، احادیث، ضرب المثل ها

در کتاب مجمع النوادر نادره ای با عنوان «نوادر کلام انبیا و صحابه و حکما عربیه» آمده است که برخلاف دیگر نوادر به زبان عربی نگاشته شده است. این بخش شامل، احادیث، حکمت ها و سخنان بزرگان دینی و عالمان است و در انتها چند ضرب المثل ها نیز آمده است.

بسیاری از این جملات و حکمت ها در کتاب نثرالدر به صورت پراکنده و در باب هایی چون؛ الباب الأول نکت من کلام الأنبياء علیهم السلام وکلام لُقمان الحکیم (ج ۷- ص ۶)، الباب الثانی: من کلام عمر بن الخطاب رضي الله عنه (ج ۲- ص ۳۵)، الباب الرابع کلام الصحابة - عبد الله بن مسعود (ج ۲- ص ۵۲)، الباب الثانی کلام مروان بن الحكم وولده في الخلفاء- عبد الملك بن مروان (ج ۳- ص ۳۱)، الباب الرابع نکت من کلام الحکماء (ج ۴- ص ۱۰۷)، الأمثال في القبائل والآباء والأمهات والشیوخ والصبيان والأخوة والأخوات والأحرار والغنيد والإماء - الأسنان (ج ۶- ص ۸۵)، الباب الخامس نکت من کلام العلماء والأدباء (ج ۷- ص

۱۶۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

(۸۱)، الأَبَابُ الرَّابِعُ كَلَامُ الْمُهَلَّبِ وَوَلَدِهِ (ج ۵-ص ۴۴)، الأَبَابُ الحَادِي عَشَرَ حَكْمٌ وَنَوَادِرٌ لِلْهِنْدِ - فِي كَلِيلَةِ وَدَمْنَةَ (ج ۷-ص ۱۱۹) و...

امثال:

آمن من الأرض. أَجُودُ مِنْ حَاتِمٍ، أَحَمَقُ مِنْ جَنْقَةَ، أَحْلَمُ مِنَ الأَحْنَفِ و... (آوی، ۱۴۲۴: ۶/۶۵-۵۹)

نتایج مقاله

ابو سعد منصور بن حسن بن حسین آوی (آبی) فقیه، محدث، شاعر، تاریخ‌نگار و دولتمرد شیعی در اوایل قرن پنجم هجری است. یکی از آثار ارزشمند او نثر الدر فی المحاضرات است که آوی آن را در ۷ جلد و به زبان عربی نگاشته است. نثر الدر کتابی ادبی و شامل موضوعات متنوع درباره آداب، نکته‌ها و ظرایف است. شیوه آوی در تألیف و تدوین کتاب شیوه‌ای است نو و در آثار قبل از او دیده نمی‌شود.

بسیاری از حکایت‌هایی که آوی در نثر الدر آورده، در آثار پس از او نیز آمده است. یکی از این آثار مجمع النوادر نوشته فیض‌الله بن زین العابدین بن حسام بنیانی است، بنیانی از دولتمردان، نویسندگان و مورخان معروف قرن ۹ هجری در هند است، وی مجمع النوادر را در سال ۹۰۳ ق به مناسبت چهلمین سال جلوس سلطان محمود بیگانه در یک مقدمه و ۴۰ نادره و خاتمه نوشت. بنیانی ادعا می‌کند که شیوه او بر نو و جدید است. توجه بنیانی به ایجاز و اختصار در سرتاسر کتاب قابل مشاهده است، چنانچه کمتر حکایتی در این کتاب یافت می‌شود که موجز نباشد.

شیوه تقسیم‌بندی نادره‌ها و نام‌گذاری آن‌ها در کتاب مجمع النوادر بسیار به نثر الدر شباهت دارد. بنیانی در کاربرد حکایات نثر الدر با ترجمه عین به عین آن‌ها یا با اندکی تصرف، نقل حکایات ذیل عناوین یکسان، نقل حکایات ذیل عناوین متفاوت، از نثر الدر استفاده نموده است. هرچند بنیانی در شیوه استفاده از حکایات خود را مقید به منبع حکایت نکرده و گاهی با تصرف در حکایات نه در حدی که مضمون و ایده اصلی حکایت تغییر کند بلکه با کمک فضا سازی و اضافه کردن شخصیت حکایت را دل‌نشین‌تر کرده است.

بنیانی به زبان عربی تسلط داشته است و ترجمه دقیق او از حکایات کتاب او را به گنجینه‌ای ارزشمند از حکایات تبدیل کرده است، بنیانی در این حکایت تنها به ترجمه حکایت پرداخته و با

شیوه پردازش و تاثیرپذیری بنیانی در نقل روایات و حکایات مجمع النوادر... ۱۶۹

افزودن شخصیت و موقعیت گفتگو بر غنای ادبی و داستانی آن افزوده است. بنیانی با جابه جایی حکایات ذیل عناوین موردنظر خود به مضمون حکایات تأکید داشته است نه شخصیت ها یا موقعیت ها. بیشترین توالی حکایت ها در نوادر طفیلیان، نوادر سائلان، نوادر ابو العیناء شاعر، ابوجصاص، نوادر اشعب طماع، نوادر معلمان، نوادر احمقان دیده می شود.

بنیانی همچنین در بخش ذکر فضایل رسول (ص) و خلفا هرچند فقط در چند مورد اندک آن هم با دخل و تصرف از نثرالدر استفاده نموده است. در بخش رسائل نیز با توجه به مضمون رسائل دو رساله را از نثرالدر آورده است.

بسیاری از روایات، جملات و حکمت ها از جای جای یا به صورت متوالی از کتاب نثرالدر انتخاب و در بخش «نواد کلام انبیا و صحابه و حکما عربیه» آمده اند. در انتهای این بخش نیز ضرب المثل های عامیانه از همین کتاب ذکر شده است.

۱۱۷۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و دوم

کتابشناسی

- بنیانی، فیض الله بن زین العابدین بن حسام، **تاریخ صدر جهان**، ش ۴۶۲، کتابخانه خدابخش پتته.
- بنیانی، فیض الله بن زین العابدین بن حسام، **مجمع النوادر**، ش ۴۲۱۲، کاتب: عبدی بغدادی، تاریخ کتابت ۱۲ ربیع الآخر ۱۰۲۵ - نستعلیق عالی، کتابخانه نور عثمانیه استانبول.
- حائری، عبدالحسین. (۱۳۵۷). **فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی سابق**، ج ۲۱، تهران؛ کتابخانه مجلس شورای ملی سابق.
- حبیبی، عبدالحی، «طبقات محمود شاهی و مجمع النوادر فیض الله بنیانی دو نسخه نادر پارسی»، یغما، ۱۳۳۲ ش، س ۶، شماره ۱.
- حسینی، سید محمد تقی. (۱۳۹۴). **فهرست دست نویس فارسی کتابخانه نور عثمانیه** - استانبول، تهران؛ منشور سمیر.
- ذکایی ساوی، مرتضی، **ابوسعبد آوی و نثر الدر**، آینه پژوهش، مرداد و شهریور ۱۳۷۲ ش، ۲۰، ص ۳۱ - ۳۸.
- زر کلی، خیرالدین. (۱۹۸۰ م). **الاعلام**، بیروت: دار العلم للملایین.
- کحاله الدمشق، عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغنی. (۱۳۷۶ ش). **معجم المؤلفین**، الناشر: مکتبه المثنی - بیروت، دار احیاء التراث العربی بیروت.
- منزوی، احمد. (۱۳۷۴). **فهرست نسخه های خطی فارسی**، ج ۶، تهران: سازمان چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴
- میر جلال الدین حسینی ارمو. (۱۳۵۸). **تعلیقات النقض**، تهران انتشارات انجمن آثار ملی.
- نوشاهی الف، سید عارف. (۱۳۶۲). **فهرست نسخه های خطی فارسی موزه ملی پاکستان - کراچی**، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - اسلام آباد.
- Blochet, E, catalogue des manuscrits persans, v.1, p.221.N.315.
- Rieuch, Bankipore catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, London, 1966.